ایران و شاردن
در آثار فیلسوفان قرن ۱۸

دکتر فاطمه عشقی

نشر ماهریس

ایران و شاردن در آثار فیلسوفان قرن هجدهم فرانسه

(منتسکیو، ولتر، روسو، دیدرو و نویسندگان دایرةالمعارف)

دکتر فاطمه عشقی

نشر ماهی

نشر ماهریس

سرشناسه:عشقی، فاطمه، ۱۳۲۶-
عنوان و نام پدیدآور: ایران و شاردن در آثار فیلسوفان قرن هجدهم فرانسه (منتسکیو، ولتر، روسو، دیدرو و نویسندگان دایرةالمعارف)/ فاطمه عشقی.
مشخصات نشر: تهران: ماهریس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.
شابک: ۶-۳۰-۹۹۲۹-۶۰۰-۹۷۸
موضوع: شاردن، ژان، ۱۶۴۳-۱۷۱۳م.- سفرها- ایران
موضوع: Chardin, Jean-Travel-Iran
موضوع: سفرنامه‌های فرانسه- قرن هجدهم- تاریخ و نقد
موضوع: Travelers' writings, French-17th century- History and criticism
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۵ع۲ش/DSR ۱۲۳۳
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۱۷۰۴۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۴۵۵۷۰

ایران و شاردن در آثار فیلسوفان قرن هجدهم فرانسه

ناشر: انتشارات ماهریس
طراحی و تولید: آتلیه ماهریس
ویراستار: هومن ظریف
چاپ متن و صحافی: ترنج
چاپ اول: ۱۳۹۸
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات
میدان انقلاب-خیابان کارگر جنوبی
تقاطع لبافی نژاد، شماره ۲۶۶
تلفن: ۶۶۴۸۲۱۵۰-۰۲۱

www.nashremahris.com
@nashremahris
@ketabfarhang

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

پیشگفتار ۵

مقدمه ۷

بخش اول: ژان شاردن و سفرهایش به ایران ۱۷

فصل اول: معرفی شاردن ۱۹

فصل دوم: محتویات سفرنامه شاردن ۴۵

فصل سوم: بخش فلسفی سفرنامه شاردن ۶۷

فصل چهارم: بررسی سفرنامه شاردن ۹۷

بخش دوم: تأثیر سفرهای شاردن بر آثار مهم فلاسفه قرن هجدهم فرانسه ۱۱۹

فصل اول: تأیید سفرنامه شاردن از سوی شرق‌شناسان و دانشمندان اواخر قرن هفدهم ۱۲۱

فصل دوم: تأثیر روایات شاردن بر آثار منتسکیو ۱۴۳

فصل سوم: ولتر و ایران ۱۸۹

فصل چهارم: روسو و سفرنامه شاردن ۲۲۱

فصل پنجم: دائرةالمعارف و سفرنامه شاردن ۲۳۱

ژان شاردن، همواره به‌عنوان شرق‌شناسی برجسته مطرح بوده
ولی آن‌گونه که باید، سفرنامه شاردن کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
(کلود گودون، چکیده سفر شاردن به ایران)

پیشگفتار

دریغم آمد که هموطنان علاقه‌مندم از این تحقیقات که شالوده آن، بر اساس منابع فرانسوی است، محروم بمانند. ساختار این پژوهش بر پایه منابع فرانسوی است که مترجم بنا بر ضرورت، علاوه بر خلاصه‌نویسی، دشواری‌های متن را با شرح و توضیح، تسهیل کرده است.

برای بسیاری از ما، این معمّا که ایران به‌زعم غربی‌ها از چه زمانی و توسط چه کسانی و چگونه شناخته شده است پرسش‌برانگیز است. بخش‌هایی از پژوهش حاضر در رساله‌ها از زاویه‌های مختلف بررسی شده است، ولی همیشه در تحقیقات، نیمه‌های پنهان بسیار زیاد است، به‌ویژه درباره کشوری پهناور با تاریخی محسورکننده که حقایقش در سایه مانده باشد. به‌راستی از این دیار چه می‌دانیم؟ اگر تمامی عمر را هم بگذاریم باز همچنان سخن باقیست. چه رسد به اینکه بخواهیم چالش‌های پنهان را با استناد به اسناد موجود در اختیار کنجکاوان قرار دهیم. پاسخ به این قبیل پرسش‌ها اینک در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. باشد که در این واهه، آیندگان دنبال‌کننده راه گذشتگان شوند.

مقدمه:

معمولاً نویسندگان معرف اندیشه عصر خویش هستند. اگر نوشته‌های نویسندگان قرن هجده فرانسه، به‌ویژه مشاهیری چون منتسکیو، ولتر، روسو و اولین دائرةالمعارف‌نویسان فرانسه را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که ایران در آثارشان اهمیت خاصی داشته است. این سؤال پیش می‌آید که چگونه اطلاعات قابل توجه در دسترس آن‌ها قرار گرفته است.

در اروپا از قرن پانزدهم بعد از کشف قاره آمریکا، میل به شناسایی کشورهای دوردست (آمریکا، آفریقا و آسیا)، رونق گرفت. تداوم این کشش، در آثار نویسندگان بزرگ قرن شانزدهم فرانسه چون رابله و مونتین محسوس است. در همان زمان مونتین، در متون گوناگون خود، غرور و شخصیت غیرقابل انعطاف اروپاییان را مورد انتقاد قرار داد. «هر کس آنچه را که درک نمی‌کند بربریت می‌نامد. این‌طور به نظر می‌رسد که اروپاییان بر اساس عادات و اخلاق بومی خویش دیگران را در بوتهٔ قضاوت قرار می‌دهند و چنانچه با عقاید آن‌ها مطابقت

نداشته باشد آن‌ها را بربر[1] می‌دانند». در بخش دیگری از گفته‌های مونتین به سه برزیلی که از شهر «روآن» دیدن کرده بودند برمی‌خوریم. مونتین شدیداً بی‌مروتی اروپاییان را از زبان یکی از آن سه «وحشی[2]» مورد نکوهش قرار می‌دهد.

این جهان‌بینی مونتین نه تنها میل به گسترش فکری را بازتاب می‌دهد بلکه در همان زمان گویای میل به تحول است. امّا افکار ویژه محافظه‌کارانه بخصوص در مردان کلیسا که ضدیت شدیدی در مقابل تحول فرهنگی زمان ابراز می‌دارند، بازدارنده این‌گونه حرکت وسیع در تحول فکری است. سر برآوردن شاخه پروتستانی سد عظیمی با هرگونه پیشرفت مخالف راه کشیش‌ها ایجاد کرده است.

با این وجود در طول قرن هفدهم، افکار مونتین تأثیر بسیاری را اعمال خواهد کرد. هم‌زمان با رواج افکار آزاد میل به سفر پهنه می‌گسترد و با اینکه جهانگردان از طبقات اجتماعی مختلفی سر برمی‌آورند (مبلغان مذهبی، سفیران، تجّار)، اکثراً در روایات خود نوعی بی‌پروایی در اظهارات مذهبی و سیاسی به‌رغم ایمان و حرفه‌شان اظهار می‌کنند.

از این‌رو، می‌توانیم بازگشت برخی از افکار اجتماعی و فلسفی را در خاطرات جهانگردان بدون پرسش از منشأ ریشه هر یک از این افکار، ملاحظه کنیم. به بیان دیگر، یک سنت ادبی و فلسفی که بر پایه تجارب سفرنامه‌هاست، به‌نوعی آثار مونتین؟ را به آثار فلاسفه قرن هجدهم مرتبط می‌سازد.

---

1. Geoffroy Atkinson, Les relations des voyages du XVII ème siècle. .....Paris, 1927, P.9.
2. Montagne, Essais, T.1, P .30, cité par Atkinson Ibid

قبل از قرن هفدهم، شرق، به‌خاطر ثروتش، از دیدگاه غربی‌ها یک نوع بهشت زمینی محسوب می‌شد. از طرفی شرق، به‌عنوان سرزمین مقدس نیز مورد مطالعه بود که در بطنش اسرار نهفته جهان را پنهان داشته و مورد تهاجم مسلمانان مرتد (!) قرار گرفته است. شرق بدین ترتیب، برای اهداف مختلف، میل به سفر را برمی‌انگیخت. در این دوره، جهانگردان از طبقات مختلف اجتماعی مثل مبلغان دینی، سفرا و تجار بودند. لازم به ذکر است که طی قرن هفدهم و قرن هجدهم همانند دوران جنگ‌های صلیبی، یعنی قرون‌وسطی، کشورهای ترکیه عثمانی، ایران باستان، هندوستان، چین، ژاپن و بعضی دیگر از کشورهای شرق دور با واژه شرق شناخته می‌شد. به همین دلیل بسیاری از پژوهشگران از لغت شرق به مفهوم عام آن توجه داشته‌اند.

اما شناخت ایران، در طی نیمهٔ دوم قرن هفدهم شروع شد. زمانی که افراد تحصیل‌کرده زبان فارسی را آموختند و مدت‌زمان زیادی را در این کشور سپری کردند. همین زمان است که گرایش به‌سوی تمایلات غیربومی و بیگانه به کمک درک زبان‌ها گسترش یافت و از آنجا، هر کشور مکانی دلخواه برای نگارش در سفرنامه‌ها پیدا کرد.

ثروت معنوی و مادی شرق همچون تجارت، مردان فرهیخته را به خود جذب کرد. کشف جنبه‌های فرهنگی، مذهبی زندگی شرقی‌ها مردان حساس را بی‌تفاوت نگذاشت. آن‌ها را با اروپاییان به قیاس گذاشتند و با به نقش کشیدن واکنش‌های انتقادآمیز بر عادات اروپاییان، پیش‌فرض‌هایی برای تولد بعضی عقاید متجددانه شکل گرفت. مردان هوشمند نسبت به کشف جنبه‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی زندگی شرقیان بی‌تفاوت نماندند، آن‌ها جنبه‌های

مختلف زندگی را با آنچه در اروپا اتفاق می‌افتاد به قیاس گذاردند. تحت این روش می‌توان تصویر غرب همراه بازتاب‌های انتقادآمیز منتقدان در مورد اتفاقات اروپایی را نیز مشاهده کرد که در هزارتوی آن بارها رمآن‌های متأثر از شرق ارائه دادند. هر جهانگرد، سعی در به نقش کشیدن کامل‌ترین و جدیدترین تابلو برای خوانندگانش را پیدا کرد و ادبیات سفرنامه‌ای به وجود آمد. این طریق زمان زیادی حفظ شد، در قرون بعد فیلسوفان این خاطرات پرمحتوا را با کمال میل و قوهٔ بصیرت در آثار خود به‌عنوان مراجع زنده و جدید در آثار خود ثبت کردند.

تاریخ قدیمی و جدید سرزمین «ایران»[1]، جغرافیا و اخلاقیات و مذاهب مختلفش، منابعی شدند که بخصوص باعث الهام بخشیدن به متفکران منتقد غرب شد.

ما به‌عنوان موضوع تحقیقاتی، قسمتی از مؤثرترین پژوهش‌های یکی از بزرگ‌ترین جهانگردهای قرن هفدهم، یعنی؛ ژان شاردن را بررسی می‌کنیم، زیرا اگر نوشته‌های شاردن را نشناسیم، مطالعه جامع منابع شرقی فلاسفه قرن هجدهم فرانسه، غیرممکن است.

اولین قسمت این پژوهش، ابتدا به معرفی مختصر سفرنامه‌های مهم به ایران می‌پردازیم، زیرا به ما اجازه می‌دهد با مشهورترین جهانگردان این عصر که اسناد و مدارک متنوع و متعددی را گردآوری کردند تا برای آیندگانشان سهولت شناخت ایجاد شود، آشنا شویم. این اسناد و مدارک بعدها به برجسته‌ترین منابع اولیه ادبیات اعصار در اروپا مبدل می‌شوند. سپس به

---

۱. perse «پرس»، عنوان ایران از جانب اروپائیان با الهام از یونانیان (مترجم).

زندگی‌نامه و شخصیت «شاردن» که در آن نکات جالبی نهفته است که همراه روایت‌های مقایسه‌ای سفرهایش بین ایران و اروپا متفکران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پژوهش همراه مقایسه با جهانگردان این عصر در ایران، ارزش آن را دارد که دلیل انتخاب برتر از میان آنان روشن شود. امّا به دلیل وسعت موضوع مورد بحث، از این مقوله به‌سرعت می‌گذریم تا نکات برتری گزینش سفرنامه «شاردن»[1] نسبت به «تاورنیه»[2] که نزد بیشتر فلاسفه ارزشمند است، برجسته شوند.

بررسی زندگی «ژان شاردن» اطلاعات اندکی در دسترس خاطرات و ارتباطات پراکنده‌اش به‌دست‌آمده است. این اطلاعات زندگی‌نامه، دیدگاه و سطح دانش او را به خواننده نشان می‌دهد و تعلقاتش به سنت پروتستانی به‌عنوان ویژگی خاص او در برداشت‌های اجتماعی‌اش آشکار می‌سازد. از سویی، اهدافش برای سفر به شرق و از سوی دیگر دیدگاه استثنائی‌اش به جنبه‌های متفاوت اجتماعی بدیل بودن سفرنامه‌اش نسبت به دیگر جهانگردان به‌ویژه رقیبش تاورنیه به‌واسطه بررسی زندگی‌نامه شاردن بهتر نشان داده می‌شود.

تنوع خاطرات این جهانگرد بسیار زیاد است، امّا اینجا محتویاتی انعکاس می‌یابد که توجه فلاسفه عصر روشنگری را به خود جلب کرد. محتویات برجسته بیشتر محدود به آداب و رسوم، فرهنگ، هنر و ادبیات و فلاسفه ایرانی است، که حتّی بعد از قرن هجدهم سرمشق متفکران اروپایی شد. در بخش توصیفات

---

1. Chardin
2. Tavernier

مشهور شاردن در مورد شهر اصفهان و منطقه قدیمی تخت جمشید تلاشی است تا به نحوی معقولانه حکاکی‌ها و نقوش برجسته‌اش را توصیف کند. به این مناسبت، شوق کشف شناخت دین زرتشت به او مستولی می‌شود و این‌یکی از موضوعاتی است که شاردن بر آن مکث و مقاومت دارد. پیروان دین باستانی ایرانیان که در ایران پس از اسلام؛ گبران در هند، زرتشتی، شناخته‌شده‌اند، مورد توجه شاردن بوده است. او دربارهٔ زندگی پیروان وفادار زرتشتی و شکل گذشته آن، به مقایسه دست می‌زند. تلاش شاردن بر این است که اصالت فلسفه زرتشت و پیامبر آن را با پژوهشی ژرف دریابد. این گفتمان در تمامی قرن هجدهم به بحثی دامنه‌دار تبدیل می‌شود. برداشت‌هایش در پایان قرن، بعد از ترک ایران مانع سکونت در کشورش می‌شود. خواهیم دید چرا او پرچم‌دار گشایش نقد و تحقیق دربارهٔ سرزمین‌های شرقی برای دوران روشنگری است.

در بخش محتوای دیدگاه‌های فلسفی شاردن به نظریهٔ اثر آب‌وهوا بر اخلاقیات، سپس مطالعهٔ طولانی‌اش در مورد اسلام ایرانی که جایگزین دین ایرانیان باستان می‌شود، باید توجه ویژه کرد. این جهانگرد تفاوت‌های میان عثمانیان سنّی مذهب و ایرانیان شیعه مذهب را مورد مطالعه قرار می‌دهد و افکارش به درس تسامح نسبت به «عقیده مذهبی دیگری» که سفارش حضرت محمّد(ص) به پیروانش است و به اطاعت و احترام ایرانیان نسبت به پنج دین در اقلّیت، معطوف می‌شود.

شاردن دین اسلام توحیدی حضرت محمّد(ص) را با یکتاپرستی یهودیان و مسیحیان مورد مقایسه قرار می‌دهد، امّا از طرفی دیگر نقایص این دین را در ایران صفوی، از جمله اعتقاد به قضا و قدر، خرافات، و تعدّد زوجات نیز برمی‌شمارد که

بسیاری از این عادات را به تأثیرات آب‌وهوایی نسبت می‌دهد که فلاسفه از آن درس‌های برجسته‌ای می‌گیرند و واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند.

بنا بر توضیحات او عنصر جداناشدنی، دو عامل آب‌وهوا و مذهب، درواقع همانا استبداد حکومتی در ایران است. شاردن طبیعت سیاسی استبدادی ایران را در زمان اقامتش برملا می‌کند. او ارتباط شاه با وزرا، فرزندان، زنانِ حرم و نورچشمی‌ها و استحصال ثروت شاه طریق مالکیت منابع، مسؤولیت‌های وزرا و حکام، قوانین و قضّات و بالأخره تأثیر حکم علما در تمامی تصمیم‌گیری‌های مملکتی را مورد توجه قرار می‌دهد و این مسأله مرجع غنی برای تمرکز افکار سیاسی فلاسفه می‌شود. خواهیم دید، شاردن با همه انتقاداتش از رژیم استبداد مطلق، امتیازاتی برتر از استبداد اروپایی برای آن قائل است که قابل‌توجه فلاسفهٔ قرن بعد قرارمی گیرد.

در پایان قسمت اول، با توسل به اسناد به همراه کنکاش در سطح دانش فارسی و اروپایی شاردن، به بعضی از تناقضات و ضعف‌های او پی می‌بریم که جمع‌بندی آن‌ها ارزش قضاوت‌هایش را نمایان می‌کند. نکات مذکور، این فرصت را به ما می‌دهد تا دلایل موفقیت سفرنامه او که همچون آرشیو ارزشمندی در قرن هجدهم، نزد تک‌تک فلاسفه آن دوران دست‌به‌دست می‌گردد، روشن شود.

در قسمت دوم، لزوم معرفی آثار شرق‌شناسان و متفکرانی که بلافاصله بعد از سفرنامهٔ شاردن تحقیقاتشان انتشار یافت و به بسیاری از اخبار او سندیت داد، لازم به نظر می‌رسد. این علاقه‌مندان به شرق دو دسته‌اند:

آن‌هایی که به شرق سفر کردند مانند پتیزدولاکروا که جنبه‌های خوشِ محفلی و عشقی و رعایت سنت و آداب زندگی شرقی را نشانه رفتند، یا در اثر مشاهدات جهانگردان مبادرت به ترجمه حکایات و دست‌نوشته‌های فارسی کردند که این بخش را در ابتدای فصل «نامه‌های ایرانی» منتسکیو بیشتر توضیح می‌دهیم.

منابع کتب فارسی که توسط شاردن معرفی شده است، اعتبار یافته است. کسانی بودند که به ایران سفر نکردند، امّا شاردن با فراگیری زبان فارسی و انجام پژوهش‌های دقیق و هدفدار علمی، بر رگه‌های فلسفی سفرنامه‌های دیگر، مهر تأیید زد و راهنمای پژوهشگران بعدی شد. متفکران دیگر، همچون توماس هاید که هرگز به شرق سفر نکرد، با انتشار کتابی در مورد زرتشت، به بخشی از دیدگاه‌های شاردن در مورد اعتقادات توحیدی زرتشتیان صحه گذاشتند. سپس از فرهنگ فلسفی انتقادی پیربل، متفکر اوایل قرن هجدهم باید یاد کرد زیرا از طریق مطالعهٔ سفرنامهٔ شاردن به مورد یکتاپرستی زرتشتیان مشکوک شد و فلسفه ثنویت آن‌ها را مطرح کرد.

در قسمت دوم، همچنین در چهارفصل جداگانه، به تأثیر سفرنامه شاردن بر آثار مشهور فیلسوفان قرن هجدهم تأمل خواهیم کرد. ترتیب معرفی فیلسوفان برحسب تاریخ تولد و آثارشان است: منتسکیو، ولتر، روسو و نویسندگان دائرةالمعارف. در هر فصل، جنبه‌های مختلف تأثیرپذیری و زمینه‌هایی که بخصوص مسیر راهگشایی برای تحقیق نسل‌های بعد خواهد بود، بررسی شده است. مباحث کلی این تأثیرات: سیاست، مذهب، و نظریات آب‌وهوایی برحسب میزان تأثیری که فیلسوف از آن الهام پذیرفته‌اند در اولویت قرار

می‌گیرد. الهامات تأثیرپذیرفته و سنجش دقیق نقل‌قول‌ها، گفتارهای ناکارآمد و خدماتی که باعث شناخت ایران، یا جذابیت برای شناخت ایرانیان شد، در نظر گرفته شده است. از ارجاعات تکراری امتناع شده است ولی به‌ضرورت خلاصه‌ای بیان خواهد شد.

تمامی ارجاعات به سفرنامهٔ شاردن در دَه جلد از انتشارات ۱۸۱۱ با نقد و توضیحات شرق‌شناس برجسته مدیر مدرسه زبان‌های شرقی لوئی لانگلس، بهره برده‌ایم که این ارجاعات با حروف اختصاری L. S نشان داده شده است.

بخش اول:
ژان شاردن و سفرهایش به ایران

فصل اول
معرفی شاردن

۱. رواج سفر به ایران

"ژان شاردن به کمک تحقیقات وسیع و علمی مختص خود، به‌طوری‌که شایسته بود به معرفی ایران و ایرانیان پرداخت. وی با پیشینه‌ای که از مطالعه در تاریخ و نقد داشت پایه‌گذار حقیقی ایران‌شناسی در دنیای غرب شناخته‌شده است[1]."

به‌راستی شاردن اولین کسی نبود که به توصیف ایران پرداخت. این کشور در ادبیات فرانسه از قرون‌وسطی همراه دیگرکشورهای مسلمان ظاهر شده بود. این سرزمین‌ها از قرون‌وسطی، به‌طور چشم‌گیری مورد توجه نویسندگان یونانی و لاتین بوده است.

---

1. Jean Chardin, Voyage en Perse..., traduit par Mohammad ABBASSI, Téhéran, 1349=1969, introduction.t.1, p.13.

اما چهرهٔ واقعی شرق برملا نشد مگر در قرن هفدهم[1] به کمک رقابت‌های شماری از جهانگردان، بازرگانان، مبلغان مذهبی و سیاستمداران. در واقع ایران از اواسط قرن هفدهم مورد توجه قرار گرفت، زیرا علاوه بر مشکلات جغرافیایی ناشی از دوری راه، جهانگردان بخت‌برگشته باید با خطرات عبور از ترکیه نیز دست و پنجه نرم می‌کردند.

در دوران شاه اسماعیل (۱۵۲۴-۱۵۰۱) اولین پادشاه سلسله صفوی، تعدادی فرستادهٔ ویژه به امپراتوری آلمان، سرزمین پادشاهی مجارستان و جمهوری ونیز فرستاده شده بودند، امّا دستگیر و برای اعدام به قسطنطنیه (کنستانتینوپل) فرستاده شدند.[2]

در واقع ترکیه در زمینهٔ مبادلات تجاری و روابط سیاسی با اروپا از یک جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. از زمان پادشاهی فرانسوای اول، این موقعیت امکان روابط پی‌درپی با کشورهای مهم اروپایی را برای ترکیه فراهم می‌آورد. امّا ایران به ارتباطی منسجم تا زمان پادشاهی شاه‌عباس اول (۱۶۲۹-۱۵۸۷) پنجمین پادشاه سلسله صفوی نائل نشد.

در سال ۱۶۰۵ میلادی، هانری چهارم که به امور داخلی فرانسه می‌پرداخت از لشکرکشی به ترکیه خودداری کرد و قرارداد تجاری‌اش را با این کشور تجدید کرد. اسپانیا و انگلیس هم تجارت ابریشم با ایران را توسعه بخشیدند. در سال ۱۵۹۹ میلادی، انگلستان حضور سیاستمداران خود را در دربار ایران حفظ کرد و از ایران در برابر امپراتوری عثمانی حمایت کرد. هم‌زمان با آن، پادشاه ایران به

1. Pierre Martino, L'Orient dans la littérature française ai XVIIème et au XVIII ème siècle Paris, 1906, p.17.
2. Père Raphael du Mans, Estat de la Perse en 1660, Paris 1890, préface P.12.

ایجاد روابط با امپراتوری آلمان، پاپ و جمهوری ونیز مبادرت کرد، امّا فرانسه در این مبادلات سهمی نداشت.

اگر فرانسوی‌های قرن شانزدهم، سرزمین‌های جدید شرقی را شناختند این امر تنها به کمک ترجمهٔ سفرنامه‌های اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی و هلندی ممکن شد.

نقطهٔ آغاز حرکت فرانسویان به سمت ایران به زمان پادشاهی لویی سیزدهم می‌رسد. از این دوره به بعد، ارتباطات سیاسی و تجاری بنا نهاده شد و مبلغان به‌منظور تبلیغ مسیحیت به سمت ایران روانه شدند. اولین کسی که این مأموریت را به عهده گرفت، در سال ۱۶۲۱ شخصی به نام پدر پاسیفیک دو پرووین سرپرستی این مأموریت را بر عهده داشت. وی پس از دو سال اقامت در ترکیه به دربار ایران راه یافت. این کشیش با خارجیان بسیاری در نزد شاه ملاقات کرد و «به‌رغم اینکه شاه مسلمان بود، رفتار انعطاف‌پذیر و مهمان‌نوازی ستایش‌آمیزی با او داشت».[1]

مردم فرانسه که به این‌گونه انعطاف‌پذیری کمتر عادت داشتند تحت تأثیر چنین رفتاری قرار گرفتند. ولی تصور اینکه سفرنامه در این ردیف بتواند ایران را بشناساند، شاید اشتباه باشد. منابع مستندی در دست است که سفرنامه‌های قبل از سال ۱۶۶۰، اکثراً در حدّ مشاهدات روزمره بوده است. خطرهای ناشی از سفر، احتیاجات و نیاز ضروری برای گذران زندگی و در کل نصایح دربارهٔ جلوگیری از هرگونه مخاطره‌ای، شامل توجه به سود و زیان در معاملات مشاهده و شناسایی راه و مسیر سفر، از جمله مشاهدات سفرنامه‌های پیش از سال ۱۶۶۰

1. Le Père Pacifique de Provin, Relation du voyage en Perse, Paris, 1631 P.402.

م بوده است. در واقع، سفرنامه‌های تجار به تسهیل گسترش امر تجارت بین ایران و فرانسه کمک می‌کرد، سفرنامه‌های مذهبی نیز در حول‌وحوش تبلیغات برای مسیحیت بود. امّا اطلاعات تدوین‌شده توسط سیاستمداران هم خیلی ناقص بود و مستقیماً تحت تأثیر طرح‌هایی اروپایی قرار می‌گرفت: «دربار ایران بسیار شبیه به دربار فرانسه است (....)، اشراف چه در امور مدنی چه در فصاحت، بسیار رفتار متینی دارند».[1]

در اواسط قرن هفدهم، زمان لویی چهاردهم و کلبر، روابط با ایران از جانب «ریشولیو» در زمینه نیروی دریایی و تجاری به خاطر ثروت بیکران ایران تشویق می‌شد و بدین ترتیب روابط ایران و فرانسه فصل نوینی را در مبادلات تجاری و دریایی به وجود آورد و فرانسوی‌ها تمایل شدیدی پیدا کردند که به هند سفر کنند و به وارد شدن به بازارهای انگلیسی و هلندی تا خاور دور مبادرت ورزیدند.

جهانگردان از مشاهدات خود اطلاعات مهمی را به دست می‌آوردند که توسط آن اطلاعات می‌توانستند با خوانندگانشان ارتباط برقرار کنند. طرح کمپانی «هند شرقی» در سال ۱۶۶۴م و در زمان گروه‌های تجّار ایرانی پیشنهاد شد. این طرح به دلیل توسعه و رونق بازرگانی و دریانوردی امکان‌پذیر شد. سرانجام به‌صورت ناگهانی، میل به مشرق زمین که تاکنون توسط چند فراری[2] آشکار شده بود در سه دهه آخر قرن ۱۷ گسترش یافت.

پس از سال ۱۶۶۰، مهاجرت به کشورهای شرقی به‌ویژه ترکیه افزایش پیدا کرد. آشنایی با این کشور از دیرباز نسبت به سایر قسمت‌های شرقی آغازشده

---

1. Le Père Pacifique de Provin, ... P.401.

2. François Martin, Description du premier voyage aux Indes Orientales 1604, cite par Martino, P. 48.

بود. سپس نوبت به ایران و هند رسید. در نتیجه سفرنامه‌های زیادی منتشر و تجدید چاپ شد که این سفرنامه‌ها در شناخت این کشورها مؤثر واقع شد، تا جایی که تا قبل از سال ۱۶۶۰ می‌توانیم «حدود چاپ ده کتاب درباره کشورهای هند و سه یا چهار بار تجدید چاپ کتاب درباره چین و ایران و چند کتاب درباره کشور ترکیه»[1] بیاییم، و بعد از این تاریخ، می‌توان تا پایان قرن هفدهم «سفرنامه‌های درباره هند را حداقل دو برابر و سفرنامه‌های ایرانی را دَه برابر نسبت به قبل در تجدید چاپ» ثبت شده است[2]. و این چاپ‌های مکرر در طی قرن بعد تا سال ۱۷۳۰ به‌وفور ادامه یافت. با این وجود ناگهان روند کار چاپ تقریباً در سال ۱۷۴۵ کُند شد و از آن پس روند غیرمنطقی در پیش گرفت. مزیت روایات مربوط به بعد از سال ۱۶۶۰ در آن بود که جهانگردان در سفر به مقصد کشورها اغلب با زبان آن کشورها آشنا می‌شدند. بنابراین قادر بودند مشاهده‌های خویش را با نظم بیان کنند و بتوانند بیشتر از یک مطالعه ساده خارج از محیط ارائه دهند. خواننده با علاقهٔ تازه‌ای از این خاطرات، سرزمین‌های شرقی، استقبال می‌کرد. این موج ظهور اشتیاق، به مصداق استقبال از بیگانه‌شناسی بود. مضامین شرقی با آب‌وتاب در خاطرات تجلی پیدا می‌کردند. هرکدام از مترجمان بنا بر استعداد و کنجکاوی ذاتی‌شان به شناساندن دین، تاریخ و اخلاق همت گماردند. آنان نوع زندگی، نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مدنظر قرار دادند. سؤالاتی در مورد مذهب،

1. Martino , P.54.
2. Ibid.P.43.

حکومت و فرهنگ مطرح می‌کردند. این عناصر در ساده‌ترین مرحله بررسی و کنجکاوی، تنها موضوع جالب این روایات شدند.

۲. مشهورترین جهانگردان در ایران

تصویر ایران در فرانسه به‌تدریج به کمک روایات جهانگردان فرانسوی یا خارجی شکل گرفت. نویسندگان دو قرن کلاسیک در ایران غنایمی پُربار یافتند و از درون‌مایه‌های روایات بهرهٔ فراوان بردند، از این‌رو امکان گسترش شناخت بهتر از شرق فراهم شد. مشهورترین[1] مستشرقان ایرانی از این قرار هستند:

- آدام الئاریوس Adam Olearius[2] سفیرکبیر آلمانی که در سال ۱۶۳۹ تا ۱۶۳۳م به ایران سفر کرد.
- سفرنامه پیترودولاوال Pietro Della Valle[3]، جهانگرد ایتالیایی که در سال ۱۶۲۱ تا ۱۶۱۷ در اصفهان اقامت کرد. او از تخت جمشید در ۱۶۸۱م دیدن کرد و در مورد جزئیات این بنا شرح داد.

به کمک این جهانگرد، یک تصویر معتبر از ایران در اوایل قرن هفدهم در زمان سلطنت شاه‌عباس به دست می‌آوریم، همچنین او گزارش مهمی در باب تجارت و مشاغل در شهرهای مهم ایران داده است. امّا همانند سفرنامه اولئاریوس، خاطراتش در طول قرن هجدهم خوانندگان کمتری دارد.

---

1. Chaybany Jeanne, Les voyages en Perse et la pensée francaise au XVIIIéme siècle, Paris 1971, p.34-40
2. Relation du voyage de Moscovie, Tratarie et de Parse, 1639 en Allemaned, traduit en francais 1656-1659, réédité en 1679, 1719, 1727; traduit en anglais en 1669.
3. Voyages dans la Turquie, la Palestine, l'Egypt, la Parse, les Indes orienales et autres lieux, 1650m traduit en francais 1661-1664, 4 Volumes, réédité en 1670, 1684, 1745, traduit en. Flamand en 1665,en anglais en 1665.

- پدرالکساندردو رُد Alexandra de RHODE[1]، یسوعی فرانسوی که در سال‌های ۱۶۴۸ تا ۱۶۵۳ در ایران اقامت داشت، ارزش سفرنامه او فقط در مورد مسیحیان شرقی به‌ویژه مسحیان ایرانی است. موفقیت این اثر فقط به همان سال ۱۶۸۱ محدود می‌شود. علت عدم استقبال از این اثر، تغییر سلیقه مردم است. خوانندگان علاقهٔ کمتری نسبت به گسترش مسیحیت و تعداد صومعه‌ها در اصفهان دارند تا تمامیت شناخت شرق.

ژان تونوت Jean THEVENOT[2] - شرق‌شناس فرانسوی، طی دو دوره به شرق مسافرت کرد. او از ایران به‌ویژه شیراز بازدید به عمل آورد و بعد از گذشت یک سال اقامت در ایران؛ در راه بازگشت به اروپا با این‌همه در سال ۱۶۶۷م در میانه از شهرهای آذربایجان درگذشت. تونو زبان ترکی را به‌خوبی می‌دانست، امّا فقط «آشنایی مختصری با زبان فارسی» داشت.

روایت این شرق‌شناس از اصفهان دلپذیر و تذکراتش دربارهٔ اخلاقیات و اعتقادات ایران از دقتی بسیار بالا برخوردار است. این مسأله ثابت می‌کند که او در طول اقامت شش ماهه‌اش در اصفهان «از معلومات و تجربیات پدر رافائل دومان[3]» مبلّغ مذهبی که چهل سال در اصفهان اقامت داشت، (۱۶۶۴ تا ۱۷۰۴) بهره گرفت.

او در میان دیگر جهانگردان این قرن، اولین کسی است که سفرنامه‌اش تا سال ۱۸۰۰ یازده بار پی‌درپی تجدید چاپ شد. برای این موفقیت دلایل بسیاری

---

1. Voyages en Chine et autres royaumes de L'orient, Paris 1653-1659. In 4.réédité en 1662 (2éditions), 1670=
2. Jean Thevenot, Suite du voyage, éd. 1674, p.280
3. Père Raphael du Mans, Estat de la Perse en 1660, publié avec notes et appendice par Ch. Schefer, Paris 1890.

وجود دارد. تونو برادرزاده شرق‌شناس و جغرافیدانی مشهور بود که افتخار داشتن عنوان کتابدار شاه را داشت. این شرق‌شناس مشهور، به تونو کمک کرد و از سال ۱۶۸۹م به بعد، کتاب تونو به‌طور منظم تجدید چاپ شد: مجموعهٔ کامل آثار وی ابتدا زیر نظر شرق‌شناسی به نام لوییزاندر و سپس به‌وسیلهٔ پسرش به نام «پتیز دولاکروا» و بعد نوه‌اش چاپ شد. «همگی با دقت مواظب چاپ و انتشار اثر همکارشان، بودند»[1].

از سوی دیگر، مرگ او در ایران سر و صدای بسیاری را در فرانسه به پا کرد. ولی به‌جز این عوامل، از نظر تمام سفرنامه شناسان این عصر، «تاورنیه» و «شاردن» سرشناس‌ترین جهانگردان این دوره بوده‌اند. توصیفاتش از تخت جمشید، اصلاً رنگ و بوی باستانی ندارد. او در تخت جمشید چیزی جز «تندیس‌ها و یا شاید بت‌هایی (که) اکنون لک‌لک‌ها روی آن‌ها لانه ساخته‌اند، نمی‌بیند»[2]. دلیل اینکه امروزه سفرنامه‌اش را «کمتر کسی می‌شناسد» نیز همین بی‌توجهی و سهل‌انگاری اوست[3].

به فهرست جهانگردان مشهور، دو نام دیگر را نیز می‌توان افزود. که پس از تاورنیه و شاردن به ایران سفر کردند:

- کورنلیس دو بروئن Cornélis de BRUYN[4]، نقاش اهل فلاندر که بین سال‌های ۱۶۹۳ و ۱۶۹۸م به ایران می‌آید. این شرق‌شناس تصاویری بسیار وفادار و نزدیک به اصل از این نواحی به دست می‌دهد. طرح‌هایش از تخت

1. Chaybany, p.38.
2. Jean Thevenot, suite du voyage, éd. 1674, p.280.
3. Chaybany, p.35.
4. Voyages par la Moscovie en Perse et aux Indes orietales, Amesterdam 1700, 2 vol, traduit en francais en 1700, réédité en 1714, 1718, 1725, 1732.

جمشید بسیار مشهورند: «مشاهداتش در بیشتر موارد سطحی هستند و گاهی از دقت کمی برخوردارند. تقریباً تمامی مناطقی که او زیر پا گذاشته است، پس از او به نحو بهتری توصیف شده است[۱]».

- ژان استرویس Jean STRUYS[۲]، ماجراجوی هلندی و «مردی که تحصیلاتی نداشت[۳]». و با این وجود، سفرنامه‌اش به خاطر ماجراهای غیر منتظره‌ای که در طول سفر برای او اتفاق افتاده، موفقیت بسیاری به‌دست آورده است. او به دفعات در مسکو و ایران به‌صورت بَرده درآمد و بالأخره توسط سفیری لهستانی در «گرجستان» خریده و بعد آزاد شد.

به‌هرحال مهم‌ترین جهانگردان در این دوران کسانی هستند که بیشترین و دقیق‌ترین منابع اطلاعاتی را جمع‌آوری کردند. منابعی که حتّی بعدها سنت ادبی فرانسه را پایه‌ریزی کردند (نگاه شود به کتاب از سعدی تا آراگون تألیف جواد حدیدی تهران، نشر دانشگاهی ۱۳۷۳).

ماری لوئیز دوفرنوا، سه جهانگرد را نام می‌برد که «چهره‌های فرهنگی، آماده برای مشاهده و دارای قابلیت در سنجش» بوده‌اند. از میان سفرنامه‌ها، امتیاز به تصویر کشیدن شرق برای فرانسویان، به «برنیه، تاورنیه و شاردن»[۴] اعطا می‌شود.

---

1. Biogrphie de MICHUD, art. Cornelis Le BRUYN.
2. Voyages en Moscovie, en Tartarie, en Perse, aux Indes et plusieurs autres pays étrangers, Amsterdam 1677, Traduit en francais en 1681, 1682, 3vol. Amesterdam 1718.
3. Marie Louise Dufrenoy, L'orient Romanesque en France dans la literature francaise de 1704 á 1789, Montréal 1946-47.
4. Marie Louise Dufrenoy, l'Orient romaneque en France dans la littérature française de 1704 à 1789 , Montréal 1946-47, p. 20.

«تاورنیه و شاردن» مانند تجاری هستند که بها و فایده تحقیقات را درک می‌کنند و «برنیه» یک فیلسوف است[1]. توصیفات آن‌ها، به علت تبحّر و اقامت درازمدت در کشورهایی که بازدید کرده‌اند خسته‌کننده و سطحی نیست. «برنیه[2]» دوازده سال در هند و کشمیر اقامت داشت ولی از ایران فقط گذر کرده است. «تاورنیه[3]» شش سفر انجام داد و بین سال‌های ۱۶۵۶ تا ۱۶۵۹م سه سال در ایران اقامت کرد. و امّا شاردن دَه سال در دو دورهٔ پیاپی در ایران ماند (۱۶۷۹-۱۶۷۱ و ۱۶۶۷-۱۶۶۶). مشاهدات این دو جهانگرد، در سفرنامه‌هایشان، کیفیتی والا و غنایی حقیقی را آشکار می‌کند.

اگر در هریک از سفرنامه‌های ذکر شده یک قسمت برای بهره‌گیری مورد توجه قرار گیرد در سفرنامه تاورنیه نکات سودمند زیادی وجود دارد، در مقایسه، سفرنامهٔ شاردن برای هر مبحث استفادهٔ تاریخی ویژه‌ای دارد.

به همین دلیل است که تحقیقات با ارزش آن‌ها توانسته است جوابگوی تقاضای عموم شود. در پژوهش‌های امروز در شناخت ایران آن زمان، هنوز هم می‌توان به این منابع رجوع کرد.

پس باید کوشید تا سهم هریک از این جهانگردان را آن‌گونه که شایسته آن‌ها است در تحقیق نشان دهیم. تحقیقات در مورد تاورنیه و شاردن نشان از

---

1. Voltaire, Essai sur les moeurs, chap.CLVII, cite par Martino, p.57.
2. Le titre de l'ovrage de Bernier est significatif: Voyage, contenant, des Etats du Mogol... oú il est traité des richesses, des forces, de la justice et des causes principals de la decadence des Etats de l'Asie, Amesterdam, 1699, 2 vol. réédité en 1709, 1710, 1724.
3. Les six voyages en Turquie, en Perse et aux Indes, Paris 1676. 2vol. réédité en 1677. 1679, 1682, 1692, 1713.

تفاوت شخصیت و هدف دارد و این تفاوت‌ها در آثارشان بسیار روشن پدیدار می‌شود.

۳. مقایسه بین سفرنامهٔ تاورنیه و شاردن

مسلم است که تاورنیه از اشخاصی است که سهم مهمی در گسترش شهرت ایران داشته است[1]. او کسی است که قدرت مشاهده و درک داشت، بدون اینکه خود را به دست قوهٔ تخیل و اختراع سپارد. او محققی موشکاف بود که می‌خواست ببیند و جزئیات را بشناسد. یکی از بخش‌های مهم اثر او از مشاهدات جغرافیایی تشکیل شده که در آن‌ها به‌خوبی از درس‌های پدر جغرافی‌دان خود، بهره گرفته است. او برای سفر از پاریس به اصفهان شِش راهِ ممکن را همانند یک راهنما با وسواس و با امتیازات و معایبش شرح می‌دهد که وارثان این ثروت به چگونگی استفاده از آن آگاهی پیدا خواهند کرد. علاوه بر نقشه‌های جغرافیایی، گراوور و طرح‌هایی به کتابش زینت می‌بخشد[2] و ترسیماتی در آن جلب نظر می‌کند که شامل آلبوم جالبی از بناها و اسناد بسیاری در باب ساخت خانه‌های گِلی با طاقِ هلالی شکل است و همچنین معرفی جذاب پوشش‌ها در سفرنامه‌اش گزارش شده است. اطلاعاتی دربارهٔ حیوانات، هنر آشپزی و آداب و رسوم گردآوری شده است. او نخستین کسی است که مراسم مذهبی مربوط به سومین امام شیعه «امام حسین (ع)» را با تمامی آیین‌های مربوط به آن شرح می‌دهد، آیین‌هایی که وارثان او هرگز در

1. Martino, op. cit., p. 176.

۲. در جمع فقط هشت نقشه.